

ویژه نامه انتخابات در صفحات ۵ الی ۸



چون شمعی در دل ظلمانی این جهان باش



جشن مبعث رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) توسط معاونت فرهنگی دانشگاه برگزار گردید. سخنران این جشن حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد رهبری دانشگاه بود که به تشریح پاره‌ای از برکات بعثت برای مردم جهان پرداخت.

همایش پیاده‌روی دانشگاه تربیت مدرس



جوایز همایش ۲۰ کارت هدیه دو میلیون ریالی و دو دستگاه دوچرخه بود که برای بالا بردن هیجان این مراسم ابتدا قرعه کشی کارت‌های هدیه و سپس قرعه کشی دو دستگاه دوچرخه انجام شد که هدایا توسط هیأت رئیسه دانشگاه به برندگان اهدا شد.

عباس شفا داد که بیمار حسینیم ...



رمز این ماندن و وفای به عهد چیست؟ ... چگونه می‌شود عباس بود و ولایت مدار نبود؟ اصلاً چگونه عباس، عباس می‌شود؟ زیبایی ظاهری از او عباس ساخته یا همه‌ی خصایص نیکو در یک جوانمرد سبب می‌شود او عباس متولد شود، عباس به شهادت برسد و این نام، باب‌الحوائج بشود؟

وزیر کشور در آیین جشن دانش آموزی دانشگاه



دکتر رحمانی فضلی در جشن دانش‌آموزان دانشگاه با اشاره به نحوه ورود خود به این دانشگاه اظهار داشت: دکتر شکویی نگاه ساختارگرایی در جغرافیا را به من آموخت و من همیشه با این نگاه زندگی کرده‌ام و مسئولیت‌های خود را پیش برده‌ام.

فرهنگ‌سازی، مهمترین رسالت هنرمندان



مهرانه به‌نهاد متولد ۱۳۶۲ زاده گیلان، لنگرود، تخصص اصلی‌اش بازیگری و طراحی صحنه است. وی با بازی در بیش از ۴۰ نمایش، ۳۰ کار تصویر و بازیگری رادیو به کار خود ادامه داده است. خلاصه گفتگو با این دانشجوی تربیت مدرس در این شماره آمده است.

دشمن را بشناس؛ محیط شهیدساز بساز



امروزه حق و باطل درهم آمیخته شده‌اند، شناخت آن‌ها دشوار است و تمییز دادنشان از هم مشکل. اصلی‌ترین وظیفه‌ی مدیریت جهادی همین است که حق را از باطل جدا کند، حق را معرفی کند، باطل را عریان کرده، رسوا کند، آنگاه خواهیم دید که جوان امروزی چیزی از جوان جبهه‌ها کم ندارد.

مراسم جشن عید مبعث در سالن شهید مطهری دانشگاه تربیت مدرس



چون شمعی در دل ظلمانی این جهان باش

اساساً مقایسه این دسته از انسان‌ها با پیامبران کار عبث و بیهوده‌ای است و این دو اساساً قابل مقایسه با یکدیگر نمی‌باشند. مقایسه این دو چون مقایسه نور و ظلمت و انسان بی‌با و کور است. هیچ‌گاه نباید پیامبران را با نوابغ جهان هر چند نایب‌های بزرگ جهانی و دانشمندان و فیلسوفان نامور مقایسه نمود. هر چند این نوابغ انسان‌های بزرگی بوده‌اند اما پیامبران از جنس دیگری بوده‌اند و پیامی دیگر برای آدمیان آورده‌اند که به هیچ‌وجه از غیر آن‌ها ساخته نیست.

مسئول نهاد رهبری دانشگاه پس از تشریح این مطلب در پایان سخنان خود به رسالت دانشگاه‌ها در قبال بعثت پرداخت و افزود: دانشگاه به معنای واقعی، آن دانشگاهی است که خود را در معرض پیام بعثت قرار دهد و با بهره‌گیری از آن در جهت مبعوث شدن هر چه بیشتر تلاش کند.

حجت الاسلام والمسلمین فلاح رفیع ضمن بیان آیات و روایاتی در این زمینه به اشعاری از مولانا استناد کرد و گفت اینکه قرآن کریم به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ قُمْ اللَّيْلُ إِلَّا قَلِيلاً مَعْنَى أَنْ این است که ای جامه به خود پیچیده در شب برخیز اما معنای عمیق‌تر آن اینست که ای شمع جهان‌افروز برخیز و جهان تاریک را روشن کن، این جهان بدون نور تو خاموش است و تو باید چون شمعی در دل ظلمانی این جهان باشی و آن را روشن کنی. این جهان بدون تو و پیام تو جسمی بیش نیست و روح و جان آن تویی و باید به آن تحرک و خلاقیت ببخشی.

استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس در بخش دیگری از سخنان خود به تفاوت نوابغ جهان، فیلسوفان و دانشمندان، مخترعین و مکتشفین بزرگ با پیامبران پرداخت و گفت بعد از تأمل در تفاوت این دودسته، به راحتی درمی‌یابیم که

هیچ حادثه‌ای را مهم‌تر و بزرگ‌تر از بعثت نتوان سراغ گرفت.

دکتر فلاح رفیع ضمن بیان این مطلب افزود: با بعثت بود که انسان‌ها جهان خود را از محدوده تنگ ماده و جسم فراتر دیدند و افق دید آن‌ها آن‌گونه که باید گسترده‌تر شد. با بعثت بود که آدمی از درد تنهایی که از دیرباز تا به امروز با او همراه بوده است، رهایی یافت. انسان معنای زندگی را دریافت و از احساس بی‌معنایی نجات یافت.



همایش پیاده‌روی دانشگاه تربیت مدرس

زندگی سالم، با نشاط و امید



در نظر گرفته شده بود که خود این مسئله هم هیجان این همایش رو بیشتر کرد و اینکه در پایان مراسم هم، به آتش صبحونه خوشمزه مهمون دانشگاه بودیم.

در مجموعه ورزشی دانشگاه دکتر محمدتقی احمدی رئیس دانشگاه از استقبال چشمگیر دانشگاهیان ابراز خرسندی کردند و فرمود: نخستین

همایش پیاده‌روی سه سال پیش توسط دکتر احسانی در دانشگاه شروع شد که هر سال پرشورتر و با استقبال بیشتر همراه بوده، و در ادامه افزود: به نقش ورزش در

داشت پیامک زدم و به خانواده تربیت مدرس ملحق شدم که پیاده‌روی رو در فضای باز دانشگاه شروع کنیم و مغزومون هورمون‌های نشاط‌آور سروتونین و اندورفین رو ترشح کنه، این حرکت که با مشارکت



صبح روز یکشنبه به سمت میدان ۹ دی دانشگاه در حرکت بودم، هوای خوب و طراوت روح افزای بهاری اردیبهشت واقعا انرژی بخش بود، آهان! یادم رفت بگم میدان ۹ دی چه خبر بود؛

امروز روز پیاده‌روی خانواده بزرگ دانشگاه تربیت مدرس بود، به میدان که محل شروع همایش پیاده روی بود نزدیک شدم، شور خاصی بین تمام تربیت مدرس‌ها از دانشجویان تا اساتید و پرسنل دانشگاه دیده می‌شد، غرفه سلامت که توسط انجمن علمی دانشجویی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و کارگروه فرهنگی دانشکده علوم پزشکی که از دوم تا چهارم اردیبهشت در میدان ۹ دی دایر بود محل توزیع کلاه‌های

منتش به آرم دانشگاه و بسته‌های توصیه‌های ورزشی و سلامت بود، برای شرکت در قرعه کشی که تا ساعت هشت صبح فرصت

ادامه جناب دکتر حیدرنیا، استاد پر نشاط و ورزش دوست گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت با اشاره به نقش ورزش در پیشگیری و درمان افسردگی تأکید کردند که «ورزش منظم» با کاهش احتمال خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن امید به زندگی رو افزایش میدهد و باعث ایجاد شور و نشاط و رفع افسردگی برای انجام فعالیت‌های روزانه میشه.

و سرانجام لحظات حساس و هیجان انگیز قرعه کشی فرا رسید، جوایز همایش ۲۰ تا کارت هدیه دو میلیون ریالی و دو دستگاه دوچرخه بود که برای بالا بردن هیجان این مراسم ابتدا قرعه کشی کارت‌های هدیه و بعد قرعه کشی دو دستگاه دوچرخه انجام شد که هدایا توسط هیات رئیسه دانشگاه به برندگان اهدا شد

شعار هفته ملی سلامت سال ۱۳۹۶، «زندگی سالم، با نشاط و امید» بود، امیدوارم که خانواده بزرگ تربیت مدرس همواره سالم، بانشاط و مستدام باشن.

سلامت ذهنی، روانی و زندگی موفق افراد اشاره کردن و اینکه مطالعات نشون داده ورزش منظم سن فیزیولوژیک افراد را تا ۱۵ سال کاهش میدهد و موجب سلامت روان و شادابی و جوان ماندن جسم میشه.

رئیس دانشگاه گفت: که مدیریت تربیت بدنی دانشگاه نیز امکانات خوبی رو برای دانشگاهیان فراهم کرده که امیدواریم همکاران بهره‌ی لازم رو از اون‌ها ببرن. در

انجمن علمی - دانشجویی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت و مرکز تربیت بدنی دانشگاه و حضور هیات رئیسه، کارکنان، اساتید و دانشجویان دانشگاه برگزار شد، نشاط خاصی رو در فضای دانشگاه تربیت مدرس که به قول یکی از دوستان به دانشگاهی که «کمبود لبخند روی لب‌ها» در اون مشهوده بخشیده بود. بعد از طی مسافتی به مقصد پیش بینی شده که مجموعه‌ی ورزشی دانشگاه بود رسیدیم. من پارسال هم همایش پیاده‌روی رو شرکت کرده بودم اما انصافاً همایش پیاده‌روی امسال با استقبال بیشتری مواجه شده بود، البته ناگفته نماند که جوایز بیشتر و ارزنده‌تری هم نسبت به سال‌های قبل



وزیر کشور در آیین جشن دانش آموختگان دانشگاه:

با تکیه بر توان خود می‌توانیم همه مشکلات را حل کنیم



رئیس دانشگاه در آیین جشن دانش آموختگان دانشگاه:

دانشگاه تربیت مدرس کمترین تعداد دانشجویان مهاجر را دارد

۱۷۰۰ نفر در مقطع کارشناسی ارشد تحصیلات خود را به پایان رساندند.

وی در ادامه افزود: یکی از افتخارات دانشگاه تربیت مدرس این است که در تحصیلات تکمیلی در کشور سرآمد است و در زمانی که دوره‌های تحصیلات تکمیلی به‌ندرت در کشور شکل گرفته بود، با قدرت و اعتمادبه‌نفس به این حوزه وارد شد.

احمدی با اشاره به طرح تحول راهبردی دانشگاه اظهار کرد: بیش از یک سال است که طرح تحول راهبردی دانشگاه آغاز شده و هدف از این طرح این است که دانشگاه به‌عنوان نسل چهارم دانشگاه‌ها وارد عرصه خدمتگزاری در جامعه شود و به‌غیر از آموزش و پژوهش، تجاری‌سازی و فناوری دانش را نیز دنبال کند و نسبت به نیازهای جامعه بی‌تفاوت نباشد.

رئیس دانشگاه با اشاره به شعار دانشگاه با عنوان «خرد باید و دانش و راستی» گفت: با توجه به این شعار، راه آینده دانشگاه را ترسیم کرده‌ایم و به‌غیر از آموزش فارغ‌التحصیلان در دوران تحصیل، اخلاق و راستی را نیز در دانش آموختگان تقویت می‌کنیم و به همین دلیل دانشگاه تربیت مدرس کمترین تعداد دانشجویانی که به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند را دارد.

دکتر محمدتقی احمدی رئیس دانشگاه در آیین جشن دانش آموختگان دانشگاه که سی و یکم فروردین‌ماه سال جاری با حضور عبدالرضا رحمانی فضلی دانش‌آموخته دانشگاه و وزیر کشور، جمع کثیری از دانش آموختگان، اعضای هیئت‌رئیس، روسای دانشکده‌ها و جمعی از اعضای هیئت‌علمی در مجموعه ورزشی دانشگاه برگزار شد، گفت: دانشگاه جوان ۳۴ ساله تربیت مدرس توانسته است به نتایج چشمگیری در حوزه علم و فناوری و تربیت دانش آموختگان توانمند برای کشور دست پیدا کند و راهی که دانشگاه‌های بزرگ جهان در طول ۱۰۰-۵۰ سال طی کرده‌اند در ربع قرن پیموده است.

وی ادامه داد: در حال حاضر دانشگاه تربیت مدرس رتبه ۲ کشوری را در تولید علم و فناوری داراست و این افتخاری که با تلاش اساتید و دانش آموختگان توانمند دانشگاه به‌دست آمده است و امیدواریم با نیروی عظیم و بزرگ که در سطح تحصیلات عالی و تحصیلات تکمیلی از این دانشگاه وارد دانشگاه می‌شوند دانشگاه تربیت مدرس بتواند خدمتگزاری خود در جامعه را ایفا کند.

رئیس دانشگاه در ادامه این مراسم اظهار کرد: در سال گذشته حدود ۲۲۰۰ نفر دانشجو از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شدند که ۴۸۰ نفر در مقطع دکتری و

آن‌ها را بگیرد. به مردم هم نحوه پرورش زنبور را آموزش دادیم و اکنون بیش از ۲۰۰ تن عسل به‌صورت سالیانه در شهر ما تولید می‌شود. در واقع با ایجاد رابطه جدید بین انسان و طبیعت این مشکل حل شد.

دکتر رحمانی فضلی همچنین با بیان اینکه ما در کشور ظرفیت‌های طبیعی و انسانی فراوانی داریم که به دلیل برنامه‌ریزی نادرست نتوانسته‌ایم از آن‌ها بهره ببریم گفت: در بسیاری از روستاها با یک تغییر کوچک در وضع موجود، یک دگرگونی ایجاد شده است، من این‌گونه مسائل را در روستاها دیده‌ام. به‌طور مثال در کاشان در ۵۰۰ خانه ماهی تزیینی پرورش داده می‌شود که در سال ۱۰۰ میلیون تومان درآمد از آن به دست می‌آید یا در ایلام با خانمی مواجه شدم که با کمک ۵۰ میلیون تومانی کارگاهی ایجاد کرده که اکنون ۲۰۰ نفر در آن شاغل هستند و در سال ۴۰۰ میلیون تومان گردش مالی دارد. ما ۱۱۵۰ طرح مبتکران را از روستاها جمع‌آوری کرده‌ایم.

وی با اشاره اقدامات انجام‌گرفته برای محرومیت‌زدایی در منطقه قلعه گنج در جنوب استان کرمان اظهار کرد: این منطقه بسیار فقیر بود و ۷۰ درصد مردم تحت پوشش کمیته امداد بودند. ما تصمیم گرفتیم با ظرفیت خود مردم منطقه به آن‌ها کمک کنیم. تصمیم گرفتیم صندوق ذخیره‌ای ایجاد کنیم و به مردم گفتیم به هر میزانی که شما در این صندوق پس‌انداز کنید ما هم به همان میزان کمک می‌کنیم. مردم در ظرف ۸ ماه، ۱ میلیارد تومان پس‌انداز کردند و ما هم با کمک سعیدی کیا به همان میزان به صندوق کمک کردیم.

وزیر کشور در پایان ضمن تبریک به دانش آموختگان دانشگاه توصیه کرد: لازم است ما خود را باور داشته باشیم و تغییرات را ایجاد کنیم، چون نظام هستی مبتنی بر تغییرات بی‌نهایت است. فقط باید یاد بگیریم رابطه‌ها را چگونه تنظیم کنیم.

وزیر کشور با اشاره به اینکه می‌توان همه مشکلات را با تکیه بر توان خود حل کنیم گفت: فقط لازم است خود را باور داشته باشیم. دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی سی و یکم فروردین‌ماه در جشن دانش آموختگان دانشگاه که در مجموعه ورزشی برگزار شد، با اشاره به نحوه ورود خود به این دانشگاه و همچنین گرمی‌داشتن یاد دکتر شکویی از چهره‌های ماندگار و از استادان این دانشگاه اظهار داشت: من همواره خود را مدیون این استاد می‌دانم و از روز اول تا لحظه فوتش همیشه در کنارش بودم. دکتر شکویی نگاه ساختارگرایی در جغرافیا را به من آموخت و من همیشه با این نگاه زندگی کرده‌ام و مسئولیت‌های خود را پیش برده‌ام.

وی در ادامه افزود: نگاه ساختارگرایی یعنی نحوه ایجاد ارتباط میان پدیده‌ها در کارآمدی و رسیدن به نتیجه بسیار مهم است. من انسان و طبیعت را لایتناهی و متغیر می‌دانم و رابطه این دو را بی‌نهایت می‌دانم. معتقدم با تغییر در رابطه‌ها می‌توان در نقش‌ها تغییر ایجاد کرد و شرایط جدیدی به وجود آورد بنابراین هیچ‌گاه در کارها احساس بن‌بست نمی‌کنم.

وزیر کشور همچنین خاطرنشان کرد: انسان قادر است همه مشکلات را با تکیه بر توان و باور خود حل کند؛ فقط باید باور کنیم که می‌شود همه‌چیز را تغییر داد. یک مثالی در این زمینه در ذهن دارم و این است که شهر ما هم‌مرز با شوروی بود. مراعات کشور کم و فقیر بود اما مراعات شوروی برای چرای گوسفندان مناسب بود. مردم گوسفند را برای چرا به مراعات شوروی می‌بردند و به خاطر همین میان آن‌ها و مرزبانان شوروی همیشه اختلاف وجود داشت. یکی از خواسته‌های مردم هم از نمایندگی شهر این بود که مجوز چرای گوسفند را بگیرند، اما ما هرچه مذاکره کردیم موفق به این کار نشدیم. پس از آن مدلی را برای پرورش زنبور طراحی کردیم. ما کندوها را ایجاد کردیم و زنبورها ۷۰-۸۰ کیلومتر داخل خاک شوروی پرواز می‌کردند کسی هم نمی‌توانست جلو



پیام تبریک رییس دانشگاه بمناسبت فرارسیدن دوازدهم اردیبهشت

«دوازدهم اردیبهشت ماه سالروز شهادت استاد مرتضی مطهری که به نام روز معلم نامگذاری شده، روز پاسداشت مقام و منزلت انسان‌های وارسته و فداکار، و یادآور جایگاه والای علم و آگاهی و مقام پرشکوه معلم در نظام جمهوری اسلامی ایران و تاریخ پرشکوه این سرزمین است که همواره جلوه‌های کم نظیر عشق و ایثار را به تصویر کشیده‌اند.

این روز فرصت مغتنمی است تا مراتب سپاس خود را تقدیم استادان و معلمانی نمایم که کاروان زندگی بشر، در مسیر حرکت خود هرگز از قافله سالاری و طلایه داری ایشان بی‌نیاز نبوده است.

ضمن ارج نهادن به مقام شامخ استادان ارجمند دانشگاه، سربلندی و توفیق روزافزون آنان را از خداوند متعال آرزومندم.»

رعنا امیری

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری
منظر دانشگاه تربیت مدرس



عباس شفا داد که بیمار حسینیم ...



تصویر: اثر استاد روح الامین

رمز این ماندن و وفای به عهد چیست؟ چگونه می‌شود عباس بود و ولایت مدار نبود؟ اصلاً چگونه عباس، عباس می‌شود؟ زیبایی ظاهری از او عباس ساخته یا همه‌ی خصایص نیکو در یک جوانمرد سبب می‌شود او عباس متولد شود، عباس به شهادت برسد و این نام، باب‌الحوائج بشود؟ اسطوره‌ی جوانمردی بشود، حتی مراد پیروان ادیان دیگر بشود. من گمان می‌کنم ابوالفضل از آن زمین نگذاشتن حرف امام حی و حاضرش عباس شد در کنار همه‌ی خصایص نیکوی انسانی که داشت. کنار آن نه‌ری که جزء مشک شاهده‌ی نبود برای قبول وعده‌هایی که داده بودند آن هم چه وعده‌هایی... این همه وفا و فرمان‌برداری و سکوت را چطور می‌توانیم درک کنیم؟ سکوت برآمده از ادب... سکوت برآمده از فرمان‌پذیری... سکوت برآمده از مطیع ولی امر بودن...

سکوت برآمده از مطیع ولی امر بودن...

جالب آنجاست که نامتان می‌شود رمز ورود به قلب صاحب این زمانه. شما جانبازی هستید که جان را با تمام اعضا و جوارحش تقدیم کرده است و معنای جانبازی را به رخ تمام جهانیان کشیده است از همین روست که در هر لامکانی توسل به شما گره‌گشای است برای امام حی ما ...

تولدتان است، شعبان گره‌زده است شما را با امام زمان تان و امام زمان مان ... عجب اتفاق خجسته‌ای که من حتم دارم این اتفاقی نبوده است ... جدایی بین شما و امامتان محال است ... تمام مکان‌ها و زمان‌ها این را برای ما یادآور می‌شوند، حرم‌ها و بین‌الحرمین‌ها، تاسوعا و عاشوراها، سوم شعبان‌ها و چهارمین روزش ...

تولدتان است گره بزیند ما را این‌گونه به امامان، این بار هم شما مدد کنید سرباز باشیم برای حجت‌مان ... واسطه شوید قدری عباس باشیم، از وقتی شما را شناختیم، تشنه‌ی مبتلا شدن شده‌ایم، دارد زمان آمدن‌شان دیر می‌شود، آقا شما شفا دهید این بار بیمار مهدی (عج) بشویم که چه خوش دردی است گرفتار یار شدن.

برداشت کرد و گاهی تمام اطاعت‌مدار بودن‌تان را ... و گاهی هر دو را با هم به یک اندازه ... ولایت مداری را برای تمام بشریت تا ظهور حجت شما تعریف کرده‌اید آقا ... شما و اهل‌بیتی که شما را با خود یکی می‌دانند. همان ولایتی که علی را جای پیامبر در آن شب کذایی سپر کرد ... فاطمه را آرام‌آرام پر پر کرد ... جگر حسن را تکه‌تکه کرد ... سر حسین را بر روی نیزه فرستاد... و تا حضرت حجت ادامه داشت و ادامه دارد و ادامه خواهد داشت ...

رمز این ماندن و وفای به عهد چیست؟ ... چگونه می‌شود عباس بود و ولایت مدار نبود؟ اصلاً چگونه عباس، عباس می‌شود؟ زیبایی ظاهری از او عباس ساخته یا همه‌ی خصایص نیکو در یک جوانمرد سبب می‌شود او عباس متولد شود، عباس به شهادت برسد و این نام، باب‌الحوائج بشود؟ اسطوره‌ی جوانمردی بشود، حتی مراد پیروان ادیان دیگر بشود. من گمان می‌کنم ابوالفضل از آن زمین نگذاشتن حرف امام حی و حاضرش عباس شد در کنار همه‌ی خصایص نیکوی انسانی که داشت. کنار آن نه‌ری که جزء مشک شاهده‌ی نبود برای قبول وعده‌هایی که داده بودند آن هم چه وعده‌هایی... این همه وفا و فرمان‌برداری و سکوت را چطور می‌توانیم درک کنیم؟ سکوت برآمده از ادب... سکوت برآمده از فرمان‌پذیری...

تولدتان است، شور می‌گیرند صدایتان می‌زنند، اشک سرازیر می‌شود با بردن نامتان، نکند نامتان روضه است؟ نکند نامتان گره‌گشاست؟ نه نه نامتان فراتر است گمان کنم، زندگینامه‌ای است برای خودش، باب‌الحوائج است، باب ورود به مراد است، خدا، ولی خدا، بهشت... تولدتان است، پدر دستانتان را می‌بوسد مادر اما از همان لحظه بویی به مشامش می‌رسد، بوی دل‌نستن، بوی دل‌بریدن، انگار مادر همان لحظات فارغ شدن شد قبله‌ی حاجات، شاعر برایمان قشنگ‌تر سروده است:

از مادر او هر چه که گفتیم گرفتیم

از ام‌بنین است عذارِ حسینیم ...

جوانمرد، در رکاب این خواهر و برادر چه دیدید؟ بگوئید برای ما از سر باب‌الحسین شدن‌تان ... شما در مقام خویشاوند، برادری را مفهوم تازه بخشیدید، رمز ورود به خیمه‌ی حسین شماید، مگر نه اینکه خیمه‌یتان را علم کردید جلوی خیمه‌ی حسین. راستی شما اول برادری‌تان را ثابت کردید یا سربازی‌تان را؟ کسی چه می‌داند که از آن لحظه که ساقی تشنه‌لبان، نام گرفتید، کدام برایتان ارجح بود؟ برادری یا ولایت مداری؟ گاهی می‌شود از آن ماجرا تمام برادری‌تان را

جالب آنجاست که نامتان می‌شود رمز ورود به قلب صاحب این زمانه. شما جانبازی هستید که جان را با تمام اعضا و جوارحش تقدیم کرده است و معنای جانبازی را به رخ تمام جهانیان کشیده است از همین روست که در هر لامکانی توسل به شما گره‌گشای است برای امام حی ما ...

معلمی مقام پیغمبری و تعلیم مقام خدای است

یاد باد آن چه مرا گفت استاد
آدمی نان خورد از دولت یاد
که مرا مادر من، نادان زاد
گشت از تربیت من آزاد
که به تعلیم من استاد استاد
غیریک اصل که ناکفته نهاد
حیف استاد به من یاد داد

گفت استاد مبردرس از یاد
یاد باد آن که مرا یاد آموخت
بیچ یادم نرود این معنی
درم نیرچو استادم دید
پس مرا منت از استاد بود
هر چه می‌دانست آموخت مرا
قدر استاد نکودانستن

نشریه چشمه روز استاد را به تمامی اساتید معزز و فرهیخته دانشگاه تبریک و تسنیت عرض می‌نماید





سید مهدی جانفشان
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

فاتحان انتخابات



منطقه و از سوی دیگر امیدواری و دلگرمی ملت های مظلوم آنها را در پی داشته باشد.

وجود یکپارچگی و همدلی میان مردم و مسئولین نظام در جمهوری اسلامی، پیامی است که در صورت مشارکت بالای مردمی به مردم کشور های بحرین، سوریه، یمن و... مخابره خواهد شد و آنها را در مسیر مقاومت و مبارزه علیه تروریسم و دخالت خارجی مصمم تر خواهد نمود.

در سطح سوم تحلیل نیز با توجه به روی کار آمدن دور از انتظار ترامپ در ایالات متحده آمریکا و تطویل بحران های خاورمیانه و شبه جزیره کره، نظام بین الملل می تواند آستان حوادث متعددی باشد که در این میان تکیه بر توان دفاعی و نظامی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی و حمایت بالای مردمی می تواند ضمان شایسته و بایسته ای برای تداوم امنیت در یکی از ناامن ترین مناطق جهان باشد.

با این اوصاف و با مرور نبوغ سیاسی و بصیرت مردم در ادوار گذشته به نظر می رسد پیش بینی فاتحان واقعی انتخابات کار چندان دشواری نخواهد بود.

جمهوری را توصیه به داشتن نگاه درونگرا برای باز کردن گره ها نمودند و از آنها خواستند تا برای توسعه اقتصادی نگاهشان به بیرون از مرزها نباشد.

در سطح منطقه ای نیز مشارکت مردمی در انتخابات ریاست جمهوری ایران می تواند توأماً از یک سو بیم و هراس دولت های مرتجع

اقتصادی که چند سالی است به مطالبه اصلی مردم و رهبری بدل شده است نیازمند عزمی جدی از سوی مسئولین هر سه قوه به ویژه قوه مجریه است و در این بین آرای بالای مردمی می تواند به ایجاد چنین عزم راسخی کمک نماید. مخصوصاً اینکه که رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان نظام به مناسبت عید سعید مبعث نامزدهای انتخابات ریاست

پس از کش و قوس های فراوان و حدس ها و گمانه های بسیار بالاخره آرایش کاندیدهای حاضر در انتخابات ریاست جمهوری مشخص شد. آنچه در یک نگاه ساده جلب توجه می کند حضور نمایندگانی از طیف های مختلف سیاسی است که نوید انتخاباتی پر شور با حضور اقشار مختلف مردم را می دهد. این حضور حداکثری مردم در انتخابات پیشرو آنچنان قطعی به نظر می رسد که حتی بسیاری از جریان های معاند که همواره بر طبل عدم مشارکت و تحریم انتخابات می کوبند اکنون به صراحت از مطرود بودن چنین رویکردی سخن به میان می آورند.

بی شک مشارکت بالای مردم در این انتخابات می تواند نتایج متعددی چه در سطح داخلی و چه در سطوح منطقه ای و بین المللی برای دولت آینده و بالتبع برای نظام جمهوری اسلامی در بر داشته باشد.

کمترین پیامد انتخابات پر شور در سطح داخلی برخورداری از تعداد رأی بالایی است که منجر به افزایش اقتدار دولت آینده خواهد بود که به نوبه خود می تواند اعتماد به نفس لازم را برای حرکت انقلابی و ایجاد تحولات بنیادین در زمینه مسائل اقتصادی و مبارزه با فساد فراهم آورد. حل مشکلات



تاریخچه و پیشینه انتخابات در ایران

اولین قانون انتخابات در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۲۸۵ هجری شمسی به وسیله میرزا حسن خان منیرالملک، مرتضی قلی خان، صنیع الدوله، مخبرالسلطنه، مخبرالملک، موتمن الملک و محتشم السلطنه تهیه و تدوین شد و بلافاصله پس از رسمیت یافتن متمم قانون اساسی، به تصویب مجلس رسید و اولین دوره ی مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۷ مهر ۱۲۸۵ هجری شمسی افتتاح شد. به موجب مقررات این نظام نامه طول نمایندگی دو سال و تعداد نمایندگان ۱۵۶ نفر بودند که ۶۰ نفر از تهران و ۹۶ نفر از سایر شهرستان ها انتخاب می شدند. البته در دوره ی یکم انتخاب صنفی بوده و همه طبقات مردم در آن شرکت نداشتند.



ندارد؛ زیرا کل کشور فقط یک نفر برای احراز مقام ریاست جمهوری انتخاب می گردد؛ بنابراین هر فرماندار در قلمرو یک شهرستان به کمک بخشداران تابع خود، انتخابات را برگزار و نتایج حاصله از رأی گیری را به مرکز منعکس می کند تا با نتایج سایر شهرستان ها جمع شود و نتیجه نهایی انتخابات که عبارت است از جمع آرای به دست آمده از کل کشور، اعلام گردد. ضمناً در انتخابات ریاست جمهوری و همه پرسی علاوه بر اخذ رأی از هم وطنان ایرانی، از ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز با هماهنگی سفارتخانه ها و کنسولگری ها و نمایندگی های سیاسی توسط وزارت امور خارجه اخذ رأی به عمل می آید و نتیجه ی نهایی انتخابات توسط وزارت امور خارجه به ستاد انتخابات کشور اعلام می گردد.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بوده به طوری که سن انتخاب کنندگان کمتر از ۲۵ سال نباشد، ملاکین و فلاحین باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته و همچنین زنان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم بودند.

به موجب اصل ۴۳ قانون اساسی مصوب ۱۲۸۵ هجری شمسی مقرر گردیده بود مجلس دیگری به نام مجلس سنا به عنوان مکمل مجلس شورای ملی تشکیل گردد. ولی این مجلس در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی با عضویت ۶۰ نفر تشکیل شد. از این تعداد ۳۰ نفر نماینده انتصابی از طرف شاه و ۳۰ نفر دیگر منتخب مردم بودند.

اما در قانون تعیین محدوده، حوزه های انتخابیه، به منظور مشخص شدن تعداد نماینده یا نمایندگان مردم سراسر کشور، تقسیمات دیگری با مرزهای جدید و متفاوت با مرزهای تقسیمات قبلی صورت گرفت. این تقسیمات شامل چهار قسمت و حدود است که عبارتند از: انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا.

در انتخابات ریاست جمهوری، سراسر مملکت به منزله یک حوزه انتخابیه تلقی می شود و تقسیمات خاصی وجود

در زمان ناصرالدین شاه نیز چند مورد مجوز تشکیل مجالسی از جمله مجلس ۵۲ نفره «مصلحت خانه» یا «مجلس مشورت» و مجلس وکلای تجار صادر شد که دوام چندانی نداشت. باین وجود، اولین شکل انتخابات و تشکیل مجلس در ایران را به زمان بعد از مشروطیت نسبت می دهند. فرمان مشروطیت در ۱۴ جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ هجری قمری از طرف مظفرالدین شاه قاجار صادر شد و اولین مجلس موقتی که طبق این فرمان باید نظام نامه انتخابات را تهیه می نمود، در تاریخ ۲۶ مردادماه سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در عمارت نظام تشکیل شد. اولین قانون انتخابات در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۲۸۵ هجری شمسی به وسیله میرزا حسن خان منیرالملک، مرتضی قلی خان، صنیع الدوله، مخبرالسلطنه، مخبرالملک، موتمن الملک و محتشم السلطنه تهیه و تدوین شد و بلافاصله پس از رسمیت یافتن متمم قانون اساسی، به تصویب مجلس رسید و اولین دوره ی مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۷ مهر ۱۲۸۵ هجری شمسی افتتاح شد. به موجب مقررات این نظام نامه طول نمایندگی دو سال و تعداد نمایندگان ۱۵۶ نفر بودند که ۶۰ نفر از تهران و ۹۶ نفر از سایر شهرستان ها انتخاب می شدند. البته در دوره ی یکم انتخاب صنفی بوده و همه طبقات مردم در آن شرکت نداشتند. از نکات قابل ذکر اولین نظام نامه انتخاباتی،

محسن سعادت

گنزرمان

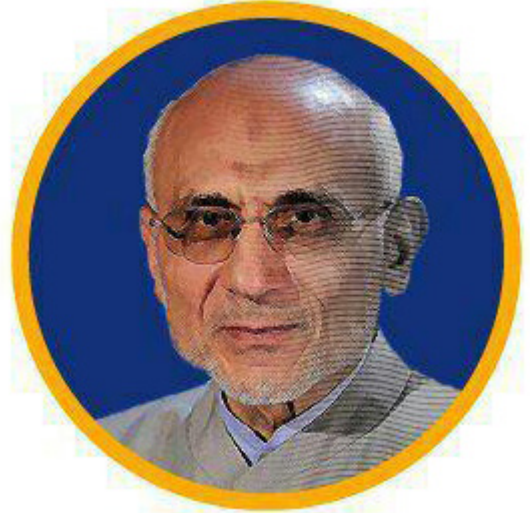
دانشجوی دکترای باستان شناسی
دانشگاه تربیت مدرس

ایران در زمینه برگزاری انتخابات سابقه ای دیرینه دارد، زیرا اولین مجلس شناخته شده در تاریخ ایران به زمان اشکانیان بازمی گردد. در این دوران، مجلس مهستان از میان بزرگان و اشراف ایرانی تشکیل می شده که پس از حمله اعراب به ایران بساط مجلس در حکومت های ایران برای بیش از هزار سال برچیده شد. انتخابات در زمان یونان باستان، روم باستان و در طول قرون وسطی برای انتخاب رهبرانی چون امپراتور روم مقدس و پاپ برگزار می شده است. اعراب باستان نیز برای انتخاب خلیفه از نوعی انتخابات استفاده می کردند. برای مثال؛ عثمان و حضرت علی (علیه السلام) در قرون وسطی اولیه با همین روش انتخاب شدند.





سید مصطفی آقا میر سلیم



– من آمده‌ام تا **منزلت** معلمان و کارمندان و هنرمندان محترم شمرده شود و قدر خدمات پزشکان و پرستاران شناخته شود.

– امروز نیامده‌ام سهمی برای **خود و اطرافیانم** مطالبه کنم.

– آمده‌ام سهم شما از **سفره انقلاب** را بدهم. آمده‌ام تا کشور را از **رکود** خارج کنم. من امروز برای **احقاق حقوق برجای مانده** شما مردم بزرگ ایران آمده‌ام.

– **وحدت** در هدف و نیت و خدمت است. **روحانے** رقیب اصلی من است.

– من امروز لباس **کار و تلاش** به تن کرده‌ام تا با همراهی و خلاقیت **جوانان متخصص** این مرز و بوم تا همانطور که روزی موتور ملی را بسازد و طرح و نمونه‌سازی، به تولید انبوه رساند **چرخ تولید ملی** را نیز با **کارآفرینان و نوآوری**، از رکود نجات دهم و به حرکت درآورم.

– دارای مدرک کارشناسی ارشد **مهندسی مکانیک** از دانشگاه پواتیه فرانسه

– نیامده‌ام که **انصراف** دهم. آمده‌ام تا تجربه همکاری در کنار **مرحوم هاشمی** را برای اعتنای کشور به کار بندم.

– من از دانشگاه آمده‌ام از **تحصیل و تحقیق و تجربه‌اندوزی** در رشته مهندسی مکانیک در فرانسه تا تدریس در دانشگاه‌های کشور.

– امروز نیامده‌ام تا **حقوق نجومی** بگیرم.

اسحاق جهانگیری



– آمده‌ام برای **نداوم راه تدبیر و امید** و پیشبرد تحول و اصلاحات بیشتر با **«دولت امید و آینده»** و با شعار **«همه برای ایران»**.

– دنیا آنقدر ارزش ندارد که انسان **ارزش‌های بالای انسان** را زیر پا بگذارد.

– بیشترین **عدم رضایت مردم** در بین دستگاه‌ها از **شهرداری**، **بانک‌ها** و **دستگاه قضایی** است.

– اینکه گفته می‌شود برای دهک‌های پایینی **یارانه** سه برابر می‌کنیم، فاصله بیشتر می‌شود.

– **جوان‌ها** به بهانه‌های واهی نباید مورد بی‌احترامی قرار گیرند.

– باید به **هنرمندان** که در **صحنه بین‌المللی** می‌درخشند افتخار کنیم. **فرهادی** فردی بود که با گرفتن **اسکار** درخشید و با همه محدودیت‌ها فیلم تولید کرد.

– دارای مدرک دکترای **مدیریت صنعتی** از دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم و تحقیقات

– من و **آقای روحانے** در کنار یکدیگر هستیم.

– اصرار دوستان و شخصیت‌های **اصلاح طلب** و رایزن‌ها با برخی افراد، باعث شد برای ثبت نام اقدام کنم.

– حتماً از **کارنامه دولت یازدهم دفاع** خواهیم کرد.

– از سال ۸۴ تا ۹۱ **رشد خالص ایجاد شغل** صفر بوده است.

حسن روحانی (فریدون)



– من اعلام می‌کنم از این به بعد **حفظ برجام** مهمترین اقدام است و **هوهوهای** که به کشتن این فرزند تصمیم گرفته بودند نمی‌توانند سرپرستان خوبی باشند.

– نمی‌خواهیم بار دیگر **بازار صادرات** در اختیار دیگران باشد. – همانطور که وعده داده بودم هم **سانتریفیوژ** می‌چرخد هم **زندگی مردم**.

– اگر ما خودمان نتوانیم با هم **تعامل** کنیم، چطور می‌توانیم با دنیا تعامل کنیم؟ هر وقت با هم بودیم **پیروزی‌های بزرگ** را به دست آوردیم.

– ما به **دروغ و خرافه** برنمی‌گردیم. بنای ما **شفافیت و صداقت** است. این دولت نخواهد گذاشت به **حریم خصوصی** مردم تعرض صورت گیرد.

– ما مسیر **عزت، آزادی، توسعه و پیشرفت** را به حول و قوه الهی ادامه خواهیم داد.

– دارای مدرک دکترای **حقوق اساسی** از دانشگاه کلدونیان اسکاتلند

– در جریان **نجات اقتصاد**، از رکود تورمی فاصله گرفتیم و از رشد منفی ۷ به رشد مثبت ۷ رسیدیم.

– ما **قانون** را برای همه دستگاه‌ها می‌خواهیم، ما نهادهای **استثنا شده از مالیات** را نمی‌خواهیم.

– **امنیت ایران** یکی از اهداف دولت یازدهم بود. شما می‌بینید که **سایه شوم جنگ** از سر ایران کنار رفته است.

نظرات و انتظارات جامعه دانشگاهی، دانشجویان و نخبگان علمی کشور از رییس جمهور آینده

خصوصاً در دانشگاه‌های برتر کشور و در مقاطع تحصیلات تکمیلی کنونی که با هزینه‌های فراوان به مراحل تحصیلات تکمیلی رسیده‌اند و اکنون که موقع محصول دادن پژوهشی و علمی آنها است با بستن فضای جذب هیات علمی، عدم تخصیص رتبه‌های استخدامی، مشکلات اقتصادی، در اختیار قرار ندادن بودجه و اعمال انواع فشارهای روحی و روانی، بوروکراسی اداری بسیار طولانی و خسته کننده، ایجاد رقابت‌های مایوس کننده و ناجوانمردانه که گویا تا ابد این نسل باید برای کوچکترین نیاز خود رقابت کند.

استاد، دانشجویان و کارمندان و افزایش متوسط درآمد زیرمجموعه وزارت علوم که مهمترین بخش آن نیز دانشجویان می‌باشند. در یک مقایسه ساده، اختلاف بین وزارت بهداشت و وزارت علوم در انواع حقوق و مزایا بسیار زیاد است و نیاز است تا جهت جلوگیری از عدم توازن بوجود آمده اقدامات عاجلی صورت گیرد.

– رفع دغدغه‌های پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و تزییق منابع مالی متوازن و مناسب.

– دانستن قدر نسل جوان تحصیلکرده دانشگاهی

و غیره همواره بر اساس دانش روز و از دانشگاه‌ها میسر است و رکن اصلی دانشگاه، نیروی انسانی خصوصاً نیروی جوان و خوش فکر کنونی است.

– توجه بیش از پیش به وضعیت معیشتی، خوابگاه‌های مجردی و خصوصاً متاهلی برای دانشجویان، امکانات رفاهی آنها، قرار دادن مقرری ماهیانه ثابت برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی به جای حذف مبالغ ناچیز قبلی مثل پژوهانه.

– تلاش وافر دولت برای جذب منابع مالی جهت توجه به معیشت مجموعه دانشگاهیان از جمله

– دور نگه داشتن فضای دانشگاه‌ها از اختلافات و حاشیه‌های سیاسی در کنار پویایی سیاسی

– باز کردن فضای انحصاری جذب هیات علمی دانشگاه‌ها برای جوانان و افزایش تعداد اعضای هیات علمی کشور مطابق سند نقشه جامع علمی کشور در چشم‌انداز ۱۴۰۴ که باید به ازای جمعیت ۸۰ میلیون نفری در حدود ۱۶۰۰۰۰ نفر باشد که در حال حاضر حدود ۷۵۰۰۰ نفر می‌باشد. در این زمینه غفلت بسیار چشم‌گیری رخ داده است در حالی که پایه‌های اصلی توسعه اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی

- با آقای روحانے به عنوان نماینده اقشاری که حرفشان شنیده نمیشود مناظره می‌کنم.

- با این همه سرمایه بسیاری که در کشور وجود دارد آیا در شان کشور ما است که شخصی بیکاری شرمنده خانواده خود باشد!!؟ ساله یک میلیون شغل، یک میلیون مسکن و یک میلیون ازدواج را پیگیری خواهیم نمود.

- باید اقدامات همه روسای دولت‌های قبل را ارج نهاد. اما اکنون مردم نگران کسب و کار هستند. کشوری با این همه ذخایر نباید بیکار داشته باشد.

- از مردم، با مردم و در مردم خواهیم بود و شعارم «دولت کار و کرامت» است.

- اینکه جوانان در صف وام ازدواج باشند و عده‌ای میلیاردری وام بگیرند، عین ظلم و بی‌عدالتی است.

- اولین کار دولت توانمندسازی بخش خصوصی است.

سید ابراهیم رئیسی ساداتی

- دارای مدرک دکترای مبانی فقه و حقوق از دانشگاه شهید مطهری

- نه بازگشت به گذشته، نه تحمل وضع موجود، بلکه تغییر به نفع مردم.

- از افتخارات نظام اسلام ما آن است که تمامی اجزای نظام با رای مردم رقم می‌خورد. رای مردم در نظام ما تشریفات نیست و سرنوشت کشور را رقم می‌زند.

- نگاه ۴ ساله که بیگانه مشکل ما را حل کند خطاست.



- دارای مدرک دکترای جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس تهران

- شما می‌توانید به قالیباف اعتماد کنید چون از پشت میز خود مدیریت نکرده است. به عمل کار بیاید به سخن دانه نیست.

- سامانه ثبت نام افراد بیکار را راه اندازی می‌نمایم و تا زمان یافتن کار مناسب ماهیانه ۲۵۰۰۰۰ تومان به آنها پرداخت خواهیم کرد.

- اگر آقای روحانے میان مردم بودند به جای اینکه در آمارهای کاذبی از وضعیت خوب سخن بگویند می‌دیدند که مردم از وضعیت کشور ناراضی هستند و از معضل بیکاری رنج می‌برند.

- ما در دولت مردم می‌خواهیم اقتصاد را مردمی کنیم و رویکردها و روش‌های جدید را بکار ببریم. هم خوب کار کنیم و هم کار خوب کنیم.

محمد باقر قالیباف

- من محمد باقر قالیباف به شما متعهد می‌شوم با توکل به خدا دولت انقلابی را تشکیل دهم و در یک دوره ۴ ساله درآمد کشور را به دو و نیم برابر برسانم و ۵ میلیون فرصت شغلی ایجاد کنم.

- وقتی برای کسب رای وعده ۱۰۰ روزه می‌دهند و پس از ۴ سال حرف و بی‌عملی مجبور به بی‌صداقی می‌شوند و آن وعده را انکار می‌کنند، می‌توان به دیگر وعده‌های او اعتماد کرد؟



- شعارم «حفظ دولت ایران» است اما به نفع کسے کنار نمی‌روم و کاندیدای پوشش روحانے نیستم.

- حقیقت این است که امکان بزرگتر شدن دولت بدون بهبود اقتصاد و افزایش درآمد ملی امکان ندارد.

- ما نباید همه چیز را با هم بخواهیم که این اشکال دارد.

- مناسفم برای آماری بودن برنامه نششم توسعه که فقط آرزو است.

- سرگردان نکردن نخبگان در ادارات و اجازه کار و استخدام بی قید و شرط می‌تواند آنها را به کشور بازگرداند.

- سبک زندگی و مسایل فرهنگی کشور ما باعث شده جوانان به جای زندگی کردن به فکر معامله کردن با هم باشند.

- ما نباید فلش همه کارها را به سمت دولت ببریم.

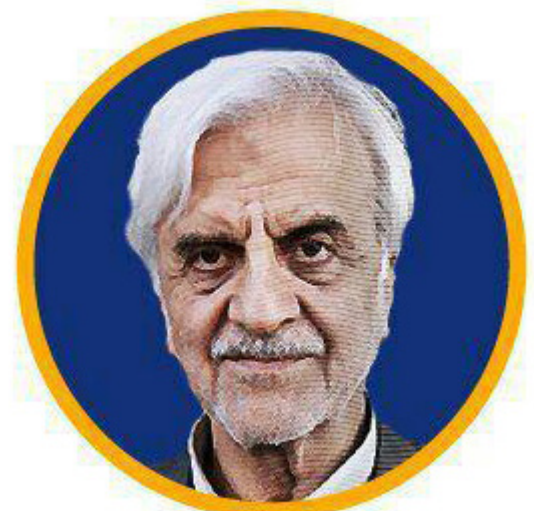
سید مصطفی هاشمی طباطبائی

- دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی نساجی از دانشگاه صنعتی امیرکبیر

- امروز باید اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

- حفظ سرزمین و اصلاح نظام کشاورزی کشور اولویت ماست. اصلاح قانون بانک و تسهیل درآمد تولید و کاهش سود بانک از برنامه‌های من است.

- رنگ انتخاباتی ام بی‌رنگ است.



نظرات و انتظارات جامعه دانشگاهی، دانشجویان و نخبگان علمی کشور از رییس جمهور آینده

برای تحصیل در رشته‌های دانشگاهی به علت مشاهده وضعیت بی‌کاری و اشتغال و تحصیل بهترین جوانان کشور است که اغلب از حداقل درآمد و همان آب باریکه نیز محروم هستند.

- پرهیز از تبعیض بین وزارتخانه‌های در زمینه‌های مختلف. به عنوان نمونه تقریباً همه ساله وزارتخانه‌های متعددی اقدام به جذب و استخدام نیروی انسانی می‌کنند و مجوز و ردیف استخدامی می‌گیرند (حداقل در حد چند ده هزار نفر) اما وزارت علوم در نهایت فعالیتش در حد چند صد نفر!

در دام مطالعات صرفاً نظری و شبیه‌سازی که عایدی کمی برای کشور خواهد داشت.

- همانطور که غارت سرمایه‌های مادی یک کشور برای همه افراد صالح و سالم موجب ناراحتی و یاس و از طرفی برای مسئولین قاصر و مقصر در این زمینه‌ها موجب نفرین مردم و عقوبت و گرفتاری اخروی است، قطعاً از دست‌دادن سرمایه‌های جوان انسانی و دانشگاهی به مراتب از موارد مالی سنگین‌تر و جبران‌ناپذیرتر است. یکی از نمودهای عینی و بارز که طی سالهای اخیر بوضوح قابل رویت است عدم انگیزه نوجوانان

پرداختن به فرآیند حفظ طوطی وار و نمره محور، یا صرفاً مقاله محور.

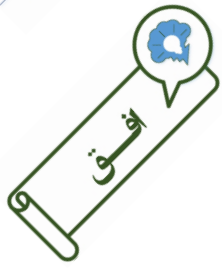
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توجه دادن مجموعه دانشگاهیان به فرآیندهای پژوهشی متنوع و اهمیت آنها نه صرفاً مقاله محور بودن. در حالی که فرآیند پژوهش علمی هدفش تولید ثروت بوده نه خرج ثروت کشور!

- توجه بیش از پیش به آزمایشگاهها و فعالیت‌های آزمایشگاهی که عایدی اصلی از پژوهش و دانشگاه در این حوزه قابل تعریف است و دوری از افتادن

- فعالیت و کار جهادی و شبانه‌روزی مسئولین در عرصه‌های مختلف و در زمینه علمی برای ارتقای جنبه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و فناوری

- توجه به زمینه‌های اصلی تولید فناوری و مورد نیاز کشور و نه صرفاً پرداختن به موضوعات علمی که فقط به درد مقاله می‌خورند و از طرفی نه به درد دنیا و نه عقبی کشور، دانشجو و عضو هیات علمی می‌خورند!

- تشویق و ترغیب مجموعه دانشگاهیان به تولید پژوهش و فناوری مورد نیاز و تجربی به جای



شوراهای شهر و روستا؛ عرصه‌ای برای مشارکت حقیقی

هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس



**تصمیم امروز
تصویر فردا**
رشد و ارتقاء علمی

شهرداران از شوراهای شهری گرفته‌شده و به وزارت کشور سپرده شد که این اقدام به معنای نادیده گرفتن اصلی‌ترین صلاحیت شوراهای بود. مجموع این عوامل موجب تضعیف جایگاه شوراهای در کشور شده و در مرحله‌ی بعد میزان اقبال عمومی و مشارکت را در انتخابات آن کاهش داده است. بر این اساس ایران برخلاف رویه‌ی کشورهای دموکراتیک، تمرکز بسیاری بر انتخابات مجلس و ریاست جمهوری می‌گذارد و مردم از توجه به انتخاب اعضای شورا که می‌تواند بستر اصلی دموکراسی را فراهم کند، بازمی‌مانند. درحالی‌که تعیین سکان‌داران دولت و مجلس تأثیر چندانی بر سرنوشت شهرها و زندگی روزمره مردم ندارد؛ اما حساسیت عمومی ایرانیان در این باره عجیب و بعید است. انتخابات شوراهای، تنها بستری است که امکان مشارکت تمام سلاقی سیاسی، قومی، طایفه‌ای، هنری، ورزشی و ... را فراهم می‌آورد. به‌نوعی که حتی در روستاهای دورافتاده نیز افراد برای تغییر وضعیت زندگی و امورات خود قادر به ایفای نقش هستند. بنابراین ضروری است که اهمیت این شوراهای برای عموم مردم تفهیم شود و هیجان و تب‌وتاب برخی از انتخابات دیگر بدان منتقل گردد.

و برنامه‌های اداری از مرکز برای تمامی قلمرو کشوری ارسال می‌گردد. از آنجایی که تنوع مسائل و مشکلات در سرزمین پهناور ایران در حیطه‌ی برنامه‌ریزی مرکز نشینان قرار نمی‌گیرد، همواره شکاف میان دستگاه‌های سیاسی و نیازمندی‌ها و مشکلات محلی وجود دارد. همچنین اختیارات شوراهای بیشتر در حد اظهار نظر، پیشنهاد و نظارت بر امور شهری است و مقامات اجرایی دولتی تنها ملزم به رعایت تصمیمات این شوراهای هستند. به نظر می‌رسد تنها وظیفه نمادین شوراهای، انتخاب شهردار و دهیار باشد. از طرفی اقتصاد دولتی در ایران که نیازمند یک دولت متمرکز با ساختار بوروکراتیک و دیوان‌سالاری گسترده است، با اختیارات محلی شوراهای در تضاد قرار می‌گیرد. همچنین شکاف‌های قومی- مذهبی در میان اقلیت‌های ایرانی که در مناطق مرزی سکونت دارند و در فرصت‌هایی مطالبات خویش را به شیوه‌ای جدایی طلبانه نسبت به دولت مرکزی اعلام می‌دارند؛ موجب تقابل هویت‌های ملی و محلی و عدم اعتماد میان مرکز و پیرامون می‌گردد. پیشینه‌ی تاریخی اقتدارگرایی و فقدان احزاب و نهادهای مدنی مستقل از دولت نیز موجب وابستگی این شوراهای به مرکز و عدم استقلال آن‌ها می‌شود. حتی در مقاطعی اختیار تعیین

معروف است که در جنبش مشروطه مردم ایران از طریق انجمن‌های محلی، حکومت را وادار کردند که در تدوین قانون اساسی و متمم آن اقدام کند. چنین بود که بر اثر مبارزات مردمی، انجمن‌های ایالتی و ولایتی در قانون اساسی مشروطه وارد شدند. اما در ادامه حکومت‌های وقت، ضمن زیر پا گذاشتن اصول و دستاوردهای مشروطه، با فعالیت و استقلال شوراهای مخالفت کردند. به همین دلیل این شوراهای در دوران پهلوی نقش چندانی در اداره‌ی امور مردم نداشتند. پس از انقلاب، سلسله‌مراتب شوراهای از مبانی فکری و نظریات انقلاب اسلامی برآمدند. امام خمینی (ره) در کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب، فرمان تشکیل شوراهای را صادر کرد. سپس جایگاه شوراهای در قانون اساسی به رسمیت شناخته شد. مطابق اصل ششم قانون اساسی، امور کشور در جمهوری اسلامی باید با اتکاء آراء عمومی اداره می‌شود و انتخابات اعضای شوراهای یکی از راه‌های آن بود. طبق اصول قانونی، شوراهای برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و رفاهی از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی، اداره‌ی امور را در دست می‌گیرند. بنابراین در تقسیم‌کار ملی و محلی تنها امور امنیتی، دفاعی، قضایی و سیاست خارجی از آن حکومت مرکزی است. از این اصول مشخص می‌گردد که شوراهای، جایگاهی تعیین‌کننده در قانون دارند و اکثر تصمیمات هر شهر و ولایتی توسط اعضای آن اتخاذ می‌شود. اما واقعیت آن است که موقعیت کنونی شوراهای با مواد قانونی فاصله بسیار دارد. چنانکه یکی از مهم‌ترین موانع فعالیت مؤثر شوراهای تمرکزگرایی سیاسی است. در نظام متمرکز ایران، سیاست‌ها

پس از انقلاب، سلسله‌مراتب شوراهای از مبانی فکری و نظریات انقلاب اسلامی برآمدند. امام خمینی (ره) در کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب، فرمان تشکیل شوراهای را صادر کرد. سپس جایگاه شوراهای در قانون اساسی به رسمیت شناخته شد. مطابق اصل ششم قانون اساسی، امور کشور در جمهوری اسلامی باید با اتکاء آراء عمومی اداره می‌شود و انتخابات اعضای شوراهای یکی از راه‌های آن بود. طبق اصول قانونی، شوراهای برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و رفاهی از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی، اداره‌ی امور را در دست می‌گیرند

شوراهای شهر و روستا مهم‌ترین محفل مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی و منطقه‌ای است. این نهاد، به‌عنوان واسطه‌ای بین دولت و مردم هر شهر نماد مردم‌سالاری واقعی می‌باشد. هرچند در کشور ما عرصه‌های مشارکت دیگری چون انتخابات ریاست جمهوری و مجلس مهیاست، اما به دلیل اینکه این نهادها با مسائل کلان کشوری سروکار دارند و دسترسی مردم نیز بدان محدود است، شوراهای به لحاظ تأثیرگذاری در سرنوشت مردم جایگاه ملموسی دارند. از لحاظ تاریخی یکی از خواسته‌های مردم ایران که در انقلاب مشروطه متجلی گردید، ایجاد نهادهای مردمی و محلی تحت عنوان شورا بود. البته



پیشینه‌ی تاریخی اقتدارگرایی و فقدان احزاب و نهادهای مدنی مستقل از دولت نیز موجب وابستگی این شوراهای به مرکز و عدم استقلال آن‌ها می‌شود. حتی در مقاطعی اختیار تعیین شهرداران از شوراهای شهری گرفته‌شده و به وزارت کشور سپرده شد که این اقدام به معنای نادیده گرفتن اصلی‌ترین صلاحیت شوراهای بود. مجموع این عوامل موجب تضعیف جایگاه شوراهای در کشور شده و در مرحله‌ی بعد میزان اقبال عمومی و مشارکت را در انتخابات آن کاهش داده است. بر این اساس ایران برخلاف رویه‌ی کشورهای دموکراتیک، تمرکز بسیاری بر انتخابات مجلس و ریاست جمهوری می‌گذارد و مردم از توجه به انتخاب اعضای شورا که می‌تواند بستر اصلی دموکراسی را فراهم کند، بازمی‌مانند.

۱۰ وظیفه جوان مومن انقلابی در انتخابات از دیدگاه مقام معظم رهبری

۱. انتخابات را پرشور کنید
۲. مشارکت در انتخابات را حداکثری کنید
۳. تقوای سیاسی داشته باشید
۴. اصلح را پیدا کنید
۵. به خاطر نامزدها در مقابل یکدیگر قرار نگیرید
۶. آدمهای خوب را به مردم معرفی کنید
۷. مراقب باشید به اصطکاک نینجامد
۸. آگاهی‌تان باید در انتخابات اثر کند
۹. دیگران را تخریب نکنید!
۱۰. تبلیغ صحیح کنید به دور از فریب و دروغ!

۷۰/۰۹/۲۷

۸۶/۱۰/۱۲

۸۸/۰۲/۲۸

۸۸/۰۳/۱۴

۷۴/۱۱/۱۴

۹۲/۰۳/۰۶

۸۸/۰۲/۲۲

۸۱/۰۱/۱۶

۸۴/۰۳/۰۵

۸۰/۰۲/۱۱

دشمن را بشناس

محیط شهید ساز بساز



علی حسنی

دانشجوی کارشناسی ارشد
مدیریت سازمان های دولتی



نهاد جبهه زیبا بود چون دشمن در آن کاملاً هویدا بود. در واقع جوانی که رهسپار جبهه می شد می دانست با چه کسی و با چه چیزی باید بجنگد؛ چه کسی خودی است و چه کسی ناخودی. به عبارت دیگر حق و باطل از هم متمایز بودند. البته نمی خواهیم بگویم که هر کسی این ور مرز بود، لزوماً حق بود و هر کسی آن ور مرز بود لزوماً ناحق! می خواهیم بگویم شناخت حقیقت کار سختی نبود. دشمن از روبرو حمله می کرد. جبهه حق و جبهه باطل مرز مشخصی داشتند. هر کسی به حزب بعث کمک می کرد، باطل بود حتی اگر پشت میز نشین ایرانی بود و هر کسی که به رزمندگان اسلام کمک می کرد حق بود حتی اگر ایرانی نبود. حق و باطل آنجا در هم نیامیخته بودند. باطل وحشی بود، ولی آشکار بود.

می شتافت و به مقامی می رسید که روح الله خمینی (ره) مدعیان سلوک الهی و مقام عرفان را دعوت می کرد تا حداقل یک مرتبه وصیت نامه شهید امروز را بخوانند. دلیلش چه بود؟ تمایز جبهه حق و جبهه باطل.

اما امروزه متأسفانه حق و باطل درهم آمیخته شده اند، شناخت آن ها دشوار است و تمییز دادنشان از هم مشکل. اصلی ترین وظیفه ی مدیریت جهادی همین است که حق را از باطل جدا کند، حق را معرفی کند، باطل را عریان کرده، رسوا کند، آنگاه خواهیم دید که جوان امروزی چیزی از جوان جبهه ها کم ندارد. جوان امروزی حتی بصیرتر از جوان دیروزی است، اما دشمن خود را مخفی کرده است. دیروز همین که کور نبود، یا حتی کور بودی ولی کر نبود، دشمن را می شناختی. اما امروز دشمن گاهی در وجود خود ماست، در نظریات ماست، در اندیشه های ماست. دشمن ما، امروز حتی از دوست به ما نزدیک تر است. بصیرت جوان امروزی کم نیست، دشمن، امروز لباس دوست پوشیده است.

اگر می خواهیم از دل جوان امروزی، حسن باقری دربیاید، به اندازه عصر حسن باقری، دشمن را رسوا سازیم.

سرمايه گذاری کنیم که شهیدپرور است. و در مقدمه ی دوم عرض کردم مدیریت جهادی وظیفه دارد که دشمن را بشناسد و به پیروانش/ زیردستانش/ کارکنانش دشمن را بشناساند. نهاد جبهه زیبا بود چون دشمن در آن کاملاً هویدا بود. در واقع جوانی که رهسپار جبهه می شد می دانست با چه کسی و با چه چیزی باید بجنگد؛ چه کسی خودی است و چه کسی ناخودی. به عبارت دیگر حق و باطل از هم متمایز بودند. البته نمی خواهیم بگویم که هر کسی این ور مرز بود، لزوماً حق بود و هر کسی آن ور مرز بود لزوماً ناحق! می خواهیم دشمن از روبرو حمله می کرد. جبهه حق و جبهه باطل مرز مشخصی داشتند. هر کسی به حزب بعث کمک می کرد، باطل بود حتی اگر پشت میز نشین ایرانی بود و هر کسی که به رزمندگان اسلام کمک می کرد حق بود حتی اگر ایرانی نبود. حق و باطل آنجا در هم نیامیخته بودند. باطل وحشی بود، ولی آشکار بود. به همین دلیل هم آن افرادی که اندک صفای ضمیری داشتند به آغوش جبهه حق می رفتند و خصلت ساختار الهی آن است که فرد را از فرش به عرش می رساند. نتیجه آن شد که فلان آدمی که تا دیروز خالکوبی می کرد و در ظاهر اعتقادی نداشت، اما چون اندکی معرفت و صفای باطن داشت، وقتی به جبهه می رفت حق را به عینه می دید، به آغوش آن

۲- طی سال های اخیر رهبر معظم انقلاب بارها بر لزوم مدیریت جهادی تأکید داشته اند. برداشت ما از مدیریت جهادی، صرفاً تحرک و پویایی است؛ کم خوابی و کم خوری و پرکاری است؛ نگاه ما به مدیریت جهادی به این شکل است که مدبری تمام وقت را برای کار صرف کند، کم نگذارد و یک کار تروتیمز و شیک در یک بازه ی زمانی بسیار کوتاه تحویل جامعه دهد! البته که این نگاه، نگاه درستی است اما قطعاً و یقیناً نگاه کاملی نیست. «جهاد یک بار معنایی ویژه ای دارد. هر تلاشی را نمی شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که به خصوص یک دشمنی سینه به سینه ی شما ایستاده است؛ این می شود جهاد». پس مدیریت جهادی یکی از وظایفش همین تمییز ویژگی های دشمن است؛ مدیر جهادی باید دشمن را بشناسد، به افراد تحت امرش دشمن را معرفی کند و سپس در برابر این دشمن اقدام به هدف گذاری، برنامه ریزی کرده و آنگاه با تحرک و پویایی بالا بهترین دستاورد را ایجاد کند.

فکر می کنم که حرفم را زدم؛ در مقدمه ی اول گفتم ما باید روی محیطی بحث کنیم که شهیدساز است، باید روی ساختاری

۱- این طرز برخورد حتی غلط است: «شهیدان بزرگانند؛ شهیدان ره صدساله را یک شبه طی کردند؛ شهیدان الگوی نسل جوان اند؛ شهیدان...». شهیدان عند ربهم یرزقون اند و من وصفی بالاتر برای مقام شهید نمی شناسم که خدای شهیدان، از آن برای بیان عظمت شهید استفاده کرده باشد. اما این طرز برخورد غلط است. این طرز برخورد جامعه ساز نیست. نه؛ مرا متهم نکنید که با مقام شهید مخالفم. من مقام شهید را کم نمی دانم. در عظمت مقام شهید، همان که خداوند شهیدان گفته است ما را بس است. مقام شهید بزرگ است. اما این طرز برخورد با شهید درست نیست. ما گاهی آن چنان مقام شهید را بالا می بریم که دست نیافتنی می شود و این نه با جایگاه شهید سختی دارد و نه با هدف ما از یاد شهدا. اما چه باید کرد؟ مسئله ی ما چیست؟ مسئله ی چیستی جایگاه شهید است؟ به نظر من خیر! مسئله ی چگونگی نیل به آن جایگاه با عظمت است. و صد البته نه با بررسی خود شهید؛ پدیده ی مورد بررسی ما خود شهدا نیستند. آن چیزی که ما باید مورد مطالعه قرار دهیم این است که شهدا در کدامین بستر توانستند به این سطح از معرفت الله برسند که مصداق این حدیث قدسی شوند «مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي، وَ مَنْ وَجَدَنِي عَرَفَنِي، وَ مَنْ عَرَفَنِي أَحْبَبَنِي وَ مَنْ أَحْبَبَنِي عَشَقَنِي، وَ مَنْ عَشَقَنِي عَشَقْتُهُ، وَ مَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ، وَ مَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلَى دِيْتِهِ، وَ مَنْ عَلَى دِيْتِهِ فَنَا دِيْتُهُ»؟! (خداوند) از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیلاب بر روی خود کفی حمل کرد؛ (همچنین) و از آنچه (در کوره ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش بر آن می افروزند، کف هایی مانند آن به وجود می آید - خداوند برای، حق و باطل چنین مثالی می زند. سرانجام کف ها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند آب یا فلز خالص در زمین می ماند؛ خداوند این چنین مثال می زند!

امروز این آیه عجیب به کار می آید. البته همه نکاتی را که می خواهم ذکر کنم لزوماً از همین آیه شریف برداشت نمی کنم. آیه را محور قرار می دهم و سپس مواردی دیگر را نیز در خلال آن عرض خواهم کرد.

صبر و آرامش، شرط بصیرت اجتماعی و سیاسی

دارد چون کف در جریان آرام آب مجال ظهور پیدا نمی کند. هر چقدر آب متلاطم تر، میزان کف بیشتر و به همان میزان نیز احتمال رویت حقیقت جریان آب کمتر. در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز به همین شکل است. به هر میزان که تلاطم اجتماعی بیشتر باشد، فضا برای تهمت زنی و ذغل کاری فزونی خواهد یافت پس شرایط برای فتنه گری بیشتر خواهد شد. از این رو است که فتنه گر جماعت به شدت تلاش می کند تا جریان آرام جامعه را متلاطم کند، سعی می کند تا ناآرامی و تشویش را با روش های مختلف به جامعه تزریق کند چرا که در جامعه ناآرام کف ها مدت زمان بیشتری میتوانند عمر کنند.

آنکه تهمت میزند، آنکه سعی دارد تا از طریق جنگ روانی آرامش حریف را بر هم بزند، آنکه سعی میکند تا هواداران رقیب را به واکنشی نسنجیده ترغیب کند، آن فرد همان باطل است. آن کسی که از ادبیات منقلی استفاده می کند مصداق باطل است. اما آن کسی که سعی میکند تا جامعه را آرام کند، تلاش می کند تا مردم فرصت یابند از کف گذر کرده و حقیقت جریان آب را مشاهده کنند آن فرد مصداق حق است.

و لا يحمل هذا العلم إلا أهل البصر و الصبر...

اجتماعی و سیاسی با میزان کم یا زیادی آشفتنگی و عدم آرامش همراهند. آن آبی کف ندارد که آرامش دارد. البته منظورم از آرامش قطعاً و یقیناً همان سکون و بی تحرکی نیست. آب در وسط اقیانوس مگر ساکن است؟ خیر ولی آرامش دارد. در وسط اقیانوس آرام مگر کف دیده میشود؟ خیر! ولی آن جریان آب جریان دارد اما چون آرامش دارد کفی ندارد. جریان های اجتماعی همیشه با اندکی تلاطم و عدم آرامش یا شاید با قدری تسامح بتوان گفت با پیچیدگی همراهند پس کف دارند. اصولاً حیات باطل در همین عدم آرامش است.

اینکه حضرت علی (ع) در اکثر موارد بصیرت را با صبر همراه کرده اند به همین نکته بر میگردد. اگر صبر نداشته باشیم و بخواهیم با همان مدارک و مشاهدات اولیه به قضاوت بنشینیم به احتمال زیاد کف را جریان اصلی آب پنداشته و باطل را حق خواهیم انگاشت.

کمی صبر دوستان، کمی صبر!

اما از نگاهی دیگر اگر بخواهیم بحث کنیم باید بگوییم که هر فرد و جریانی که بخواهد آرامش جامعه را بر هم بزند به احتمال بسیار بالا باطل خواهد بود. این یک نکته کلیدی در شناخت باطیل روزگار است. باطل سعی بر تشویش

اول اینکه، در این آیه، خداوند متعال حق را به مانند جریان آب و یا آب در جریان مثال میزند و باطل را به آن کفی که بر روی جریان آب ظاهر میشود مانده می کند. نکته بسیار جالبی است. اکثر مفسرین در ذیل این آیه به نکته ای اشاره کرده اند و آن نکته عبارت است از اینکه اگر فردی به جریان آب نگاه بیاندازد، آن چیزی را که در ابتدا مشاهده می کند، کف روی آب است. در لحظه ابتدایی جریان اصیل آب مشاهده نمی شود. کف دیده میشود. قرآن نیز باطل را همانند کف میدانند. من و شما به عنوان سوژه، زمانی که به یک آبژه و یک پدیده برمیخوریم، در آن هنگام که یک پدیده اجتماعی یا جریان سیاسی را مورد تفحص قرار میدهیم، آن چیزی را که ابتدا مشاهده میکنیم همان کف است، همان باطل است. مورد مشاهده ما در لحظات اول به احتمال بسیار بالا باطلی بیش نیست. باید کمی صبر داشت، کمی تامل کرد، با دقت و تعمق بیشتری جریانات را مورد کنکاش قرار داد بلکه جریان حق و آن چیزی که صحیح است و حقیقت دارد فرصت کند خود را برابر چشمان به تماشا بگذارد. همیشه چنین است. جریانات

همکلاسی



زیبا چشمه سفیدی

کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی
دانشگاه تربیت مدرس

شاید خدا حافظ تربیت مدرس

نمیدونست چکار کنه، به تن به عده گشاد و بلند بعضی تنگ و کوتاه! تازه همه خوشحال می‌دویدن سمت درب شمال دانشگاه برای گرفتن عکس اما با تعجب دوباره با اخذ هزینه مواجه میشدن، چون عکس‌هایی که می‌گرفتن از بچه‌ها، مثل ورودی که واسه جشن گرفتن بود، هزینه داشت! و اینطور شد که همه ترجیح دادن خودشون عکس بگیرن. ساعت ۳ جشن شروع شد، مجری برنامه جناب آقای مهران رجبی بازیگر و فارغ التحصیل دانشگاه بود، گروه موسیقی و سخنرانان از جمله؛ رئیس دانشگاه، وزیر کشور و ...، نوبت به معرفی دوستان رتبه اولی سال‌های قبل تفاوتی در جوایز وجود داشت و حالا رتبه اولی‌ها هم غرغر می‌کردن. البته رئیس آموزش گفت که به قید قرعه که بعدا انجام خواهد گرفت، به ۱۰ نفر از دوستان رتبه اولی نیم سکه هدیه خواهند داد که ما ورودی‌های ۹۲ به این لطف نیز امیدوار خواهیم بود. اینطور شد که داستان جشن ورودی و دانش‌آموختگی ما بسی قابل تأمل است برای خود ما دانش‌آموختگان و با این خاطرات که با چشم بر هم زدنی مرور کل دوران تحصیلی در تربیت مدرس بود شاید خدا حافظ تربیت مدرس عزیز.

کارشناسی ارشد و دکتری سالهای گذشته در ۳۱ فروردین ۹۶ جشنی برگزار بشه و خوشحال از این موضوع هستیم. اما تفاوتی با جشن ورودی‌های ۹۱ وجود داره! برای شرکت در جشن باید مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ ریال واریز می‌شد، من به خیلی از دوستانم برای شرکت در جشن اطلاع دادم اما استقبال نمی‌کردند، به خاطر هزینه ورودی! بعد از تاریخ ۲۵ اسفند اطلاعیه‌ی جدید مبلغ ورود به جشن به ۱۵۰،۰۰۰ ریال تغییر کرد. خیلی‌ها ثبت‌نام کردند همراه پدر، مادر و یا همسر هر چند برای همراهان مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ ریال باید واریز می‌کردند. فکر کنم اینجاست که دانشگاه تربیت مدرس باید قدری به جیب خالی دانشجویان و بیکاری آنها نیز توجه می‌کرد. همه میدونن این جشن برای بیشتر دانشجویان، دیدن دوستان و همکلاسی‌هاست و دانشگاه با قراردادن هزینه برای جشن قدری کم‌لطفی کرد. خلاصه، تاریخ ۳۱ فروردین و جشن فارغ‌التحصیلی فرا رسید. همه ساعت ۱۱ داخل حیاط دانشگاه در حال رفتن به درب شمالی سالن تربیت بدنی بودند. جلوی سالن به صف ایستاده و توزیع کارت ورود، لباس و ژتون غذا با تأخیر شروع شد. خداییش دست دانشگاه درد نکنه که همه سایز لباس‌هاش یکی بود و هر کس از در میومد بیرون

بود، ناخودآگاه استرسم بیشتر شد، یه مدتی از مستقر شدن در خوابگاه گذشت که با بچه‌های خوابگاه‌های دیگه آشنا شدم. همه همون مشکل خوابگاه با تعداد زیاد نفرات، پرده‌های کدر، تشک‌های خراب و... رو تجربه کرده بودند و این یک سؤال تعجب‌برانگیز بود که چرا در تنها دانشگاه تحصیلات تکمیلی این مشکل وجود داره؟! اواسط مهر، جشن ورودی‌های سال ۹۲ در دانشگاه برگزار شد. ترم جدید با همه دغدغه‌هایش شروع شد. سطح تحصیلی جدید سخت بود، مثل کارشناسی نبود و انتظارات خیلی بیشتری از دانشجو داشتن اما تصور کنید دانشجوی ترم اول پر از استرس و نگرانی با دغدغه‌های جدید اما آماده پذیرش تغییرات. ترم اول، دوم و سوم رقابت شدید بود گرفتن بالاترین نمره‌ها کار آسونی نبود. با شروع امتحانات ترم اول تلاش بچه‌ها چندین برابر شد، تو کلاس همه تلاش می‌کردند شاگرد اول باشند، سالن مطالعه فصل امتحان تا صبح پر بود طوری که بچه‌ها روی زمین می‌نشستند، خیلی از اون بچه‌ها شاگرد اول شدن و تا پایان سال تحصیلی ۹۴ جزو معدل‌های خوب دانشگاه بودند. ورودی‌های سال ۹۲ با تمام خاطرات تلخ و شیرینشون از دانشگاه تربیت مدرس فارغ‌التحصیل شدند. قراره مثل هر سال برای دانش‌آموختگان

انگار همین دیروز بود که مادرم وسیله‌هامو در حالی که ناراحت بود آماده می‌کرد، پدرم نگرانی‌شو بروز نمی‌داد اما از لحنش پیدا بود، چون اولین بار بود که داشتم ازشون جدا می‌شدم. خیلی‌ها مثل من برای اولین بار از خانواده جدا شدن، وقتی استرس داشتیم برای ورود به یه شهر بزرگ، دوری از عزیزانمون اما ته دلمون خوشحال بودیم که برای تحصیل به دانشگاه تربیت مدرس که دانشگاه تحصیلات تکمیلی هست می‌رویم. سال تحصیلی جدید مهر ۹۲ آغاز شد؛ یادم میاد که اکثراً چمدون به دست از درب شمالی دانشگاه وارد می‌شدند و هر کس به نحوی تلاش می‌کرد امور مهم اولیه رو همون روز برای خودش روشن کنه مثل؛ محل اسکان و محدوده‌ای که خوابگاهش هست و سؤال می‌پرسیدن امور خوابگاه‌ها کجاست؟ برای ما که از شهرستان اومدیم، خوابگاهمون کجاست؟! نزدیک یا دور بودنش، خیلی مهم بود و یه دغدغه‌ی مهم، رفتن به خوابگاه بود. هر کسی می‌خواست بدونه دانشکده‌اش کجاست، کتابخانه کجاست و امثال این. من وقتی چمدون به دست، با کلی پرس‌وجو رسیدم خوابگاه، تصورم این بود نهایتاً ۴ نفر تو یه اتاق باشن شاید استانداردهش ۴ نفر باشه اما اولین تصویر که هیچ‌وقت یادم نمیره اتاقی ۸ نفره

قراره مثل هر سال برای دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد و دکتری سالهای گذشته در ۳۱ فروردین ۹۶ جشنی برگزار بشه و خوشحال از این موضوع هستیم. اما تفاوتی با جشن ورودی‌های ۹۱ وجود داره! برای شرکت در جشن باید مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ ریال واریز می‌شد، من به خیلی از دوستانم برای شرکت در جشن اطلاع دادم اما استقبال نمی‌کردند، به خاطر هزینه ورودی! بعد از تاریخ ۲۵ اسفند اطلاعیه‌ی جدید مبلغ ورود به جشن به ۱۵۰،۰۰۰ ریال تغییر کرد. خیلی‌ها ثبت‌نام کردند همراه پدر، مادر و یا همسر هر چند برای همراهان مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ ریال باید واریز می‌کردند. فکر کنم اینجاست که دانشگاه تربیت مدرس باید قدری به جیب خالی دانشجویان و بیکاری آنها نیز توجه می‌کرد. خداییش دست دانشگاه درد نکنه که همه سایز لباس‌هاش یکی بود و هر کس از در میومد بیرون نمیدونست چکار کنه، به تن به عده گشاد و بلند بعضی تنگ و کوتاه! تازه همه خوشحال می‌دویدن سمت درب شمال دانشگاه برای گرفتن عکس اما با تعجب دوباره با اخذ هزینه مواجه میشدن، چون عکس‌هایی که می‌گرفتن از بچه‌ها، مثل ورودی که واسه جشن گرفتن بود، هزینه داشت!





آزیتا ظهیری
دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و
ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس

شعار سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۷ افسردگی؛ بیا حرف بزنیم



به سلامت روان اختصاص داده می‌شود، که در کشورهای کم‌درآمد کمتر از یک درصد و در کشورهای پردرآمد تا ۵ درصد است.

حتی در کشورهای ثروتمند، در حدود ۵۰ درصد از افراد مبتلا به افسردگی تحت درمان قرار نمی‌گیرند.

البته افسردگی قابل‌پیشگیری و درمان است و انتظار می‌رود از نتایج حاصل از طرح این شعار عموم مردم با افسردگی، علل ایجادکننده آن و عواقب افسردگی از قبیل خودکشی بیشتر آشنا شوند و بدانند که برای پیشگیری یا درمان آنچه اقداماتی می‌تواند انجام دهند. افراد مبتلا به افسردگی به دنبال درمان آن باشند و همچنین خانواده، دوستان و همکاران افراد مبتلا به افسردگی یاد بگیرند که چگونه از آن‌ها حمایت کنند.



این بیماری عبارت است از یک احساس ماندگار از ناخوشی و بیماری بیش از دو هفته و عدم توانایی در انجام کارها و درمان مؤثر آن درمان دارویی و روان‌شناختی است. بیش از ۳۵۰ میلیون نفر در دنیا دچار افسردگی هستند که این بیماری فرد را از یک زندگی مطلوب و عملکرد مناسب محروم می‌کند. تلقی این بیماری به‌عنوان یک انگ اجتماعی، آگاهی افراد را نسبت به این بیماری و درمان آن می‌کاهد. افسردگی همه‌سنین، همه سطوح زندگی و همه کشورها را در برمی‌گیرد. این امر باعث اضطراب روانی و تأثیر بر توانایی مردم حتی در انجام ساده‌ترین کارهای روزمره و گاهی پیامدهای مخربی در روابط خانوادگی و دوستانه و عدم توانایی ادامه‌ی زندگی می‌شود. در بدترین حالت، افسردگی می‌تواند منجر به خودکشی شود، در حال حاضر دومین علت اصلی مرگ‌ومیر افراد ۲۹-۱۵ سال است.

۳۰۰ میلیون نفر در جهان افسرده‌اند

طبق اعلام سازمان بهداشت جهانی، افسردگی بر بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در جهان تأثیر داشته و علت اصلی ناتوانی و سلامت نامناسب در بین مردم جهان است.

به گفته محققان شمار افراد مبتلا به افسردگی بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۵ تا بیش از ۱۸ درصد افزایش یافته است اما عدم حمایت و ترس از رسوایی مانع از دریافت درمان مناسب توسط بسیاری از افراد می‌شود.

دکتر مارگارت چان، مدیرکل سازمان بهداشت جهانی، در این باره می‌گوید: «این ارقام جدید، هشدار برای تمامی کشورهاست تا بار دیگر در مورد شیوه‌های خود برای حفظ سلامت ملتشان و درمان فوری آن اقدام نمایند».

کمپین یک‌ساله سازمان بهداشت جهانی موسوم به «افسردگی: اجازه دهید در موردش صحبت کنیم» در تلاش برای برآورد تعداد افراد مبتلا به افسردگی که درصدد دریافت کمک بودند، هست. یکی از شیوه‌های اصلی انجام این کار کاهش تعصب در مورد بیماری روانی است.

طبق اعلام این سازمان، به‌طور میانگین تنها ۳ درصد بودجه سلامت دولتی

در روابط خانوادگی و دوستانه و عدم توانایی ادامه‌ی زندگی می‌شود. در بدترین حالت، افسردگی می‌تواند منجر به خودکشی شود، در حال حاضر دومین علت اصلی مرگ‌ومیر افراد ۲۹-۱۵ سال است. درعین حال، افسردگی می‌تواند پیشگیری و درمان شود. شناخت بهتر از ماهیت افسردگی، چگونگی پیشگیری و درمان آن به کاهش انگ مرتبط با این شرایط، کمک خواهد کرد و منجر می‌شود که افراد بیشتری به دنبال کمک و راهنمایی باشند.

همچنین افراد افسرده برخی از علائم زیر را دارا می‌باشند: خستگی و کاهش انرژی، تغییر در اشتها به‌صورت پرخوری عصبی و یا کاهش اشتها، کاهش یا افزایش خواب، اضطراب، کاهش تمرکز، بی‌قراری و ناآرامی، احساس گناه، بی‌ارزشی و یا درماندگی، افکار خودآزاری یا تمایل به خودکشی.

کمپین امسال که با شعار: افسردگی؛ بیا حرف بزنیم، در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۶ (روز جهانی سلامت روان) با هدف کمک به افراد دچار افسردگی در شبکه‌های اجتماعی همچون توئیتر و اینستاگرام و ... آغاز به کار کرده است و در این کمپین با انتخاب سه گروه نوجوانان و جوانان، زنان در سنین باروری (به‌ویژه پس از زایمان) و سالمندان (بالای ۶۰ سال) که به‌طور نامناسبی تحت تأثیر هستند را موردتوجه قرار داده است.

سازمان جهانی بهداشت، هر ساله به مناسبت روز جهانی بهداشت (۸ آوریل مصادف با ۱۸ فروردین) و با هدف افزایش توجه و آگاهی عموم مردم و تمرکز اقدامات و فعالیت‌ها یکی از موضوعات مبتلا به جوامع را انتخاب می‌کند.

موضوع کمپین امسال روز جهانی بهداشت افسردگی است. افسردگی، نتیجه‌ی تداخل پیچیده‌ای از عوامل بیولوژیکی، اجتماعی و روان‌شناختی است. به‌طور مثال؛ بیماری قلبی عروقی می‌تواند شخص را به سمت افسردگی سوق دهد و یا زایمان که باعث افسردگی پس از زایمان در حدود یک‌پنجم زنان باردار می‌شود. افسردگی از سایر اختلالات روانی عادی که برای هر فرد حادث می‌شود، متفاوت است: این بیماری عبارت است از یک احساس ماندگار از ناخوشی و بیماری بیش از دو هفته و عدم توانایی در انجام کارها و درمان مؤثر آن درمان دارویی و روان‌شناختی است. بیش از ۳۵۰ میلیون نفر در دنیا دچار افسردگی هستند که این بیماری فرد را از یک زندگی مطلوب و عملکرد مناسب محروم می‌کند. تلقی این بیماری به‌عنوان یک انگ اجتماعی، آگاهی افراد را نسبت به این بیماری و درمان آن می‌کاهد. افسردگی همه‌سنین، همه سطوح زندگی و همه کشورها را در برمی‌گیرد. این امر باعث اضطراب روانی و تأثیر بر توانایی مردم حتی در انجام ساده‌ترین کارهای روزمره و گاهی پیامدهای مخربی

کمی توجه به قلب ...



دریچه‌ها را باز کنید

عشق و حمایت خانواده، یکی از عوامل جلوگیری‌کننده از عارضه‌های قلبی است. مطالعات نشان داده کسانی که در زندگی، عشق و حمایت را به خوبی احساس می‌کنند چندین برابر کمتر از کسانی که افسردگی و تنهایی را تجربه می‌کنند دچار بیماری‌های مختلف و مرگ در اثر مشکلات قلبی می‌شوند.

شما باید خودتان عشق را از نزدیکان دریافت کنید. با آنها حرف بزنید و از حمایت عاطفی آنها بهره‌مند شوید.

چشمان خود را باز کنید و دنیا را طور دیگری ببینید. با این روش، رگ‌های قلب خود را هم باز خواهید کرد!

تنها با گذشت یک ماه از برنامه‌ی جدید زندگی‌ای که در پیش گرفته‌اید احساس سلامت و نشاط درونی بیشتر را به وضوح در تمامی لحظات زندگی خود احساس خواهید کرد.

رگ‌هایتان را منعطف کنید

تغییر در وضعیت سلامت شریان‌ها به تغییر در وضعیت سلامت قلب شما منجر می‌شود و این کار با کاهش استرس امکان‌پذیر خواهد بود.

اگر سعی کنید شیوه‌های آرام کردن خود را یاد بگیرید می‌توانید تا حد زیادی به سلامت خود کمک کنید. بد نیست یک ساعت از روز را به حرکات آرام بخش اختصاص دهید.

می‌توانید در کلاس‌های ورزشی شرکت کنید، ماساژ بگیرید و یا هر کار دیگری که باعث می‌شود آرام‌تر باشید را انجام دهید. این موضوع برای هر فردی متفاوت است، باید خودتان آن را بیابید.

شاید نقاشی یا استخر یا حمام آب گرم و یا حتی گوش دادن به صوت‌های آرامش‌بخش بتواند شما را آرام کند. کمک کردن به آرامش درونی و کنترل استرس می‌تواند به استراحت رگ‌ها کمک کند و این کار مانع از انسداد آنها می‌شود.

از شر گرفتگی رگ‌ها خلاص شوید

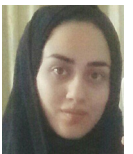
شما باید مقدار چربی را در رژیم غذایی‌تان اصلاح کنید. در یک رژیم صحیح، تنها ۱۰ درصد از غذایی که می‌خورید می‌تواند چربی داشته باشد و بیشتر از آن برای قلب و عروق شما مضر است. بین ۱۵ تا ۲۰ درصد بقیه‌ی رژیم غذایی‌تان باید با پروتئین و ۷۰ درصد باید با کربوهیدرات و فیبر تامین شود.

به برنامه غذایی خود دقت کنید و آن را اصلاح کنید. به محض اینکه مشکل برنامه غذایی‌تان را اصلاح می‌کنید بدنتان به طور اتوماتیک شروع به درمان مشکلاتش می‌کند.

مواد غذایی که نقش پیشگیرانه و محافظت‌کننده دارند را وارد رژیم غذایی خود کنید. یک برنامه که بر پایه میوه‌ها، سبزی، غلات سبوس‌دار، حبوبات و محصولات سویا در شکل ارگانیک و طبیعی خود باشد نه تنها به بهبود وضعیت قلب شما کمک می‌کند بلکه دارای خواص ضد سرطان و ضد پیری هم هست و طول عمر شما را بالا می‌برد.

سحر خانجانی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم زیستی دانشگاه تربیت مدرس



به خاطر تغییر رژیم غذایی، تغییر سبک زندگی و نداشتن تحرک، بیماری‌های قلبی در جامعه روز به روز در حال افزایش است.

طبق گزارش انجمن قلب آمریکا ۳۱ درصد از کل مرگ و میرهای جهان ناشی از بیماری‌های قلب و عروق و ۱۱/۸ درصد به دلیل سکته قلبی است.

آمارهای رسمی درمان و آموزش پزشکی ایران نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد از مرگ و میرها در کشور ناشی از بیماری‌های قلبی و عروقی و ۱۹ درصد مربوط به سکته‌های قلبی است. به طوری که ایران رکورددار بالاترین آمار مرگ قلبی در جهان نامیده شده است.

و این موضوع، بسیار نگران‌کننده می‌باشد...

نکات و توصیه‌های این مطلب می‌تواند برای پیشگیری از بیماری‌های قلبی و شروع یک زندگی سالم‌تر مفید باشد.



با تشکر از روابط عمومی دانشگاه
مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های
نویسندگان است.
چشمه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.

@cheshmehdanehshoo

دانشگاه تربیت مدرس

دوهفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس
سابق امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سر دبیر و دبیر تحریریه: دکتر حمید مطهری
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت



سال پنجم، شماره چهل و سوم نیمه اول اردیبهشت ۱۳۹۶، آوریل ۲۰۱۷

گفتگو با مهرانه به‌نهاد، بازیگر سریال معمای شاه

فرهنگ‌سازی، مهم‌ترین رسالت هنرمندان

مصاحبه از: عاطفه سلطانی / دانشجوی کارشناسی ارشد پترولوزی دانشگاه تربیت مدرس

مهرانه به‌نهاد متولد ۱۳۶۲ زاده گیلان، لنگرود، تخصص اصلی‌اش بازیگری و طراحی صحنه است. وی با بازی در بیش از ۴۰ نمایش، ۳۰ کار تصویر و بازیگری رادیو به کار خود ادامه داده است. از کارهای تئاتر ایشان می‌توان به «نبرد و مده‌آ»، «خاطره‌ای نداشتیم»، «حتی اگر هزار سالم بود»، «رعنا» و ... اشاره کرد. همچنین ایشان در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی متنوعی بازی کرده و در حال حاضر مدرس بازیگری و طراحی صحنه است. بازی‌های به یادماندنی ایشان ما را ترغیب کرد تا برای مصاحبه به سراغ ایشان برویم و آنچه در ادامه می‌خوانید خلاصه‌ای از گفتگو با این دانشجوی دانشگاه تربیت مدرس است.

هنرمندان چطور می‌توانند در تعیین سرنوشت جامعه خود مؤثر باشند؟

مختصری از سابقه کاری خود بفرمایید و کارهایی که در آن‌ها ایفای نقش کردید؟

همان‌طور که خدمتتان عرض کردم هنر مهم‌ترین عنصر در فرهنگ‌سازی است. یک هنرمند با استفاده از هنر خودش از هر نوعی که باشد، نویسندگی، نقاشی، بازیگری، موسیقی و ... می‌تواند اعتقادات و بینش اصیل خود را به مخاطب انتقال بدهد. البته این مهم به این شرط اتفاق خواهد افتاد که هنرمند هدفمند فعالیت بکند، در این صورت بیشترین تأثیر را در سمت‌وسو دادن به افکار و اعمال مردمش خواهد داشت.

بنده مدرک کارشناسی طراحی صحنه از دانشگاه سوره را دارم و در حال حاضر دانشجوی کارشناسی ارشد بازیگری دانشگاه تربیت مدرس هستم. بازیگری در سینما و تئاتر را از سال ۱۳۷۳ آغاز کردم. در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی بال‌های خیس، خط ویژه، بچه‌های نسبتا بد، پایتخت، معمای شاه، آشیانه‌ای برای زندگی و ... بازی کردم.

به نظر شما رسالت اصلی یک هنرمند چیست؟

به نظر من مهم‌ترین رسالت هنرمندان فرهنگ‌سازی است. هنرمندان و ورزشکاران از قشرهای تأثیرگذار جامعه هستند که جوانان و نوجوانان به‌طور مستقیم از روش و منش آن‌ها الگوبرداری می‌کنند، بنابراین سبک زندگی هنرمندان و تعاملات اجتماعی آن‌ها به‌طور مستقیم در شکل‌گیری آداب و فرهنگ مردم تأثیرگذار خواهد بود.

چه مسائل و مواردی هنرمند را از رسالتش دور می‌کند؟

در شرایط حاضر کشور ما، درگیر شدن هنرمندان به مسائل حاشیه‌ای مثل پرداختن به ظواهر و درگیری در بازی‌های سیاسی جناحی و ... آن‌ها را از هدف اصلی‌شان در هنر دور می‌کند درحالی‌که یک هنرمند متعهد و اصیل اگر اهل مطالعه باشد و به شرایط جامعه‌اش آگاه باشد به راحتی می‌تواند مسیر درست را انتخاب کند و بازیچه‌ی مسائل این‌چنینی نشود.



پری آزدان قزی معروف به مهری دیوسالار زنی بود که نقش او به‌طور مستند در تاریخ معاصر ثبت و ضبط شده است و این سندیت تاریخی از نظر شخص بنده اهمیت زیادی داشت. من با مطالعاتی که روی شخصیت پری آزدان قزی داشتم تقریباً به شناخت خوبی نسبت به این زن رسیدم. مهری دیوسالار، زنی است که در اغتشاشات بلوای نان و کودتای ۱۳۳۲ نقش مؤثری داشت و همان‌طور که در فیلم می‌بینید قوی، دارای قدرت تحکم و فرمانده است و راحت می‌تواند یک جمعیت را رهبری کند. به خود آقای ورزی کارگردان فیلم معمای شاه هم گفتم: به این نقش خیلی کم پرداخته شده است، یعنی تا می‌آید، تمام می‌شود! این فرد برای سامان دادن اغتشاشات و بلوای نان، با مسئولان وقت هم ارتباطات زیادی داشت!

در مورد نقش خود در فیلم معمای شاه بفرمایید؟

این نقش خیلی برای من مهم بود، پری آزدان قزی معروف به مهری دیوسالار زنی بود که نقش او به‌طور مستند در تاریخ معاصر ثبت و ضبط شده است و این سندیت تاریخی از نظر شخص بنده اهمیت زیادی داشت. من با مطالعاتی که روی شخصیت پری آزدان قزی داشتم تقریباً به شناخت خوبی نسبت به این زن رسیدم. مهری دیوسالار، زنی است که در اغتشاشات بلوای نان و کودتای ۱۳۳۲ نقش مؤثری داشت و همان‌طور که در فیلم می‌بینید قوی، دارای قدرت تحکم و فرمانده است و راحت می‌تواند یک جمعیت را رهبری کند. به خود آقای ورزی کارگردان فیلم معمای شاه هم گفتم: به این نقش خیلی کم پرداخته شده است، یعنی تا می‌آید، تمام می‌شود! این فرد برای سامان دادن اغتشاشات و بلوای نان، با مسئولان وقت هم ارتباطات زیادی داشت و حتی گفته می‌شود برای این بلوا، ۲۰۰ هزار تومان خرج کرده بود! به نظر من جا داشت خیلی بیشتر از این شخصیت‌پردازی شود.



به نظر شما چه نقدهایی به فیلم معمای شاه وارد بود؟

از نقاط قوت این کار پرداختن به جزئیات تاریخ معاصر بود که در کارهای تاریخی دیگر کمتر دیده می‌شود. جزئیاتی که در بینش و افکار عمومی نسبت به تاریخ معاصر

بسیار مؤثر هستند. ولی طبق بازخوردهایی که من از مردم در فضاهای مجازی دیدم پرداختن بیش‌ازحد به مسائل خانوادگی شاه و عیش و نوش و زن‌بارگی او و مغفول ماندن یا پرداخت کمتر به تصمیمات و عملکردهای نابه‌جای شاه برای کشور کمی به نظر مردم نامطلوب آمده بود.

ساخت فیلم‌هایی از این دست چه تأثیری در بینش سیاسی و اجتماعی مردم دارد؟

مسئله‌ای که وجود دارد این است که سال‌هاست توجه فیلم‌سازان تاریخی ما معطوف به شاه و حکومت پهلوی شده است، درحالی‌که برای معرفی شخصیتی مثل؛ امام خمینی (ره) تقریباً هیچ کار هنری درخوری صورت نگرفته است. ایران خیلی شخصیت‌های بزرگ در همین تاریخ معاصر داشته و دارد که در سینما گم‌شده‌اند، صداوسیما یک نهاد حکومتی است باید برای ارزش‌های ملی فیلم بسازد و الگوسازی بکند خصوصاً برای زنان که مهم‌ترین نقش جامعه یعنی مادری را به دوش دارند. سینمای ایران تا به حال در این امر یعنی معرفی الگوهای زن تاریخ مثل خانم پوران‌دخت سلطانی و مرضیه حدیدچی دباغ و الگوسازی برای زنان جامعه چندان موفق نبوده است.

مهم‌ترین دغدغه جامعه هنری کشور چه مسائلی هستند؟

مسائل مادی و امنیت شغلی در حال حاضر مهم‌ترین مسئله‌ی هنرمندان است. کمبود سمت‌های دولتی تخصصی ویژه هنرمندان و استفاده از افراد بی‌تخصص در جایگاه‌هایی که نیاز به حضور هنرمند متخصص است از مشکلاتی است که در نتیجه سیاست‌گذاری‌های غلط متأسفانه در حال حاضر رایج شده است. هنرمندان زمانی می‌توانند با آرامش فکری، خلاقیت هنری خود را به کار بگیرند که امنیت شغلی داشته باشند و از دغدغه‌های مادی یک زندگی متوسط آسوده‌خاطر باشند.